



که از آسمان به ما هشدار می‌دهد، سر باز زنیم.

پس دستهای سست و زانوان لرزان خود را قوی سازید 13 برای پاهای خود راههای هموار بسازید، تا پای لنگ بیشتر صدمه نبیند، بلکه شفا یابد. هشدار در مورد بازگشت به گناه 14 سخت بکوشید که با همه مردم در صلح و صفا به سر برید و مقدس باشید، زیرا بدون قدوسیت هیچکس خداوند را نخواهد دید. 15 مواظب باشید کسی از فیض خدا محروم نشود، و هیچ ریشه تلخی نمو نکند، مبدا موجب ناآرامی شود و بسیاری را آلوده کند. 16 هوشیار باشید که هیچ‌یک از شما فاسد 16:12 یا همچون عیسو دنیوی نشود که به‌خاطر کاسه‌ای آش، حق پسر ارشد بودن خود را فروخت. 17 و چنانکه می‌دانید، بعد که خواهان به میراث بردن آن برکت بود، مقبول واقع نشد. و هرچند با زاری در پی آن بود، جای توبه پیدا نکرد. 18 زیرا به کوهی نزدیک نیامده‌اید که بتوان لمس کرد، کوهی که مشتعل به آتش باشد؛ 22 بلکه به کوه صهیون نزدیک آمده‌اید، به اورشلیم آسمانی که شهر خدای زنده است. به جمع شادمانه هزاران هزار فرشته آمده‌اید، 23 به کلیسای نخست‌زادگانی که نامهایشان در آسمان نوشته شده است. به خدا نزدیک شده‌اید، به خدایی که داور همه آدمیان است، و به روحهای پارسایانی که کامل شده‌اند، 24 و به عیسی که واسطه عهدی جدید است، و به خون پاشیده‌ای که نیکوتر از خون هابیل سخن می‌گوید. 25 به هوش باشید که از گوش فرا دادن به آن که سخن می‌گوید، سر باز مزنید. اگر آنان که به آن که بر زمین بدیشان هشدار داده بود گوش فرا ندادند، راه گریزی نیافتند، پس ما چه راه گریزی خواهیم داشت اگر از گوش فرا دادن به آن

پیام عیسی مسیح برای کل دنیا است. ما مسیحیان می‌خواهیم پیام نور و صلح را به دنیا مطرح کنیم. این رسالت ماست. و با این حال متون صریحی از کتاب مقدس وجود دارند که فقط مسیحیان را خطاب می‌کنند. متن خطبه امروز همین متن برای مسیحیان است. به عبارت دیگر، به ویژه برای کسانی نوشته شده است که در سفر ایمانی خود با چالش‌های گوناگون مواجه هستند. این مسیحیان هنوز به مقصد خود نرسیده‌اند و دقیقاً به همین دلیل است که این خطر وجود دارد که راه خود را از دست دهند، در ایمان خود ضعیف شوند یا حتی ایمان را به طوری کلی ترک کنند. خطر عدم دستیابی به هدف وجود دارد. بنابراین، متن با این پند آغاز می‌شود: «پس دستهای سست و زانوان لرزان خود را قوی سازید...» همه کسانی که روزی در ایمان خود مشتاق بوده‌اند همیشه به آن پایبند نیستند. کلیسا این چیز ترسناک را تجربه می‌کند که برخی ایمان را ترک می‌کنند. هیچ کس نمی‌تواند تایید کند که این افراد ایمان خود را کاملاً از دست داده‌اند یا خیر. زیرا فقط خدا می‌تواند قلب انسان را تشخیص دهد.

نقاشی آلبرشت دورر از سال ۱۵۱۱ که در بالا می‌بینید به طرز چشمگیری متن خطبه امروز را تفسیر می‌کند. در وسط عیسی مصلوب شده است که خدای پدر او را به عنوان قربانی برای کلیسای خود تقدیم کرد. در سمت چپ و راست جامعه‌ی مسیحی قرار دارد که در پیشگاه مسیح است و سفر ایمان خود را کامل کرده است. این کلیسا دیگر در راه نیست. او اکنون آمده است و نزد خداست. در زیر می‌توانید انجمن ناتمام را مشاهده کنید. به عبارت دیگر، ما در مورد کلیسای صحبت می‌کنیم که هنوز در راه است. در این جامعه، پاپ و کلیسای کاتولیک رومی به عنوان یک تهدید تلقی می‌شده است. به همین دلیل است که آلبرشت دورر پاپ را با قدرت خود در جلو کشیده است، در حالی که کلیسای که تحت تعقیب است را می‌توان در پس زمینه مشاهده کرد. افراد حاضر در پس زمینه، ضعیف و ناکارآمد به نظر می‌رسند. اما مسیح به این کلیسا می‌نگرد. به نظر می‌رسد او نگاه ویژه‌ای به او دارد. در بالای آن روح القدس به شکل کبوتر است. بنابراین، خدای پدر، پسر و روح القدس از کلیسا که هنوز در راه است، مراقبت می‌کند. با این حال فقط انجمن عبرانیان خطاب نمی‌شود یا جامعه‌ی زمان مارتین لوتر به تنهایی در خطر نیست. ما نیز در وسوسه و خطر هستیم. اصول‌هایی که کلیسا بر اساس آنها بنا شده است به طور فزاینده‌ای در جامعه ما خارجی و عجیب به نظر می‌رسند، به طوری که ما احساس بیگانگی و ناراحتی می‌کنیم. برخی وسوسه می‌شوند، ایمان را به کلی کنار بگذارند. نامه به عبرانیان ما مسیحیان را با داستان عیسو از عهد عتیق مقایسه می‌کند. معروف است که به‌خاطر کاسه‌ای آش، حق پسر ارشد بودن خود را فروخت. او فریب نخورد، بلکه با آگاهی کامل آن کار را انجام داد. وقتی بوی آش به او رسید، این آش بیش از هر چیزی دیگری برایش مهم شد. او بعداً از این کار پشیمان شد، اما در آن زمان دیگر خیلی دیر شده بود. ما مسیحیان نیز می‌توانیم به سرنوشت مشابهی دچار شویم. اگرچه مسیح ما را می‌بیند و ما را در قلب و در چشم خود نگه می‌دارد، ما نمی‌توانیم او را ببینیم. در میان چالش‌های بزرگ اینجا روی زمین، می‌توانیم به سرعت مسیح را از دست بدهیم یا حتی او را کاملاً فراموش کنیم. چیزهای دیگر می‌توانند مهم‌تر شوند. همانطور که مارتین لوتر می‌گوید: "جایی که قلب شما نهفته است، خدای شما است."

باید از خود ببرسیم که آیا تصویر مسیح در زندگی ما تار شده است یا در خطر هستیم ایمان به عیسی را به طور کلی از دست دهیم. نامه به عبرانیان می خواهد کلیسای جوان را تقویت کند و چشمان آن را باز کند تا بتواند خدای واقعی و پسرش عیسی مسیح را به وضوح ببیند. چقدر به توانایی برای دیدن نور درخشان انجیل با وجود چشمان تار خود نیاز داریم؟ ما نیز اغلب از کلیسا سرخورده، با ایمان ضعیف و خسته هستیم، به طوری که به سرعت وسوسه می شویم که ایمان خود را مانند یک کت کهنه با چیز دیگری عوض کنیم یا حتی آن را مانند عیسی به یک کاسه سوپ بفرشویم. چیزی که برای من خطرناک ترین به نظر می رسد این است که دید ما نه تنها مُبهم است، بلکه پر از چیزهای دیگر است، به طوری که دیگر واقعیت معنوی را که در آن قرار داریم تشخیص نمی دهیم. ما اغلب خود را بیش از حد کمال گرا به تصویر می کشیم و در واقع معتقدیم که می توانیم سعادت خود را با چند عمل مذهبی به دست آوریم. یا بهشتی می سازیم که در آن تمام آرزوهای شخصی ما محقق می شود. نامه به عبرانیان چشمان تار جامعه خود را می گشاید و این کار را با نگاهی به کوه سینا انجام می دهد. چشم و گوش با واقعیت خشن قانون خدا باز می شود. زیرا کوه سینا محل تقدس خداوند بود. نه انسان ها و نه حیوانات می توانستند به این کوه نزدیک شوند یا حتی آن را لمس کنند. این کوه نه تنها بیانگر فرمان های خدا بلکه شامل ذات خدا بود. خدا مقدس است. در زبان عبری کلمه "کادوش" به معنای مقدس استفاده می شود. «کادوش» به معنی جدا شدن است. به این دلیل مقدس به معنی این است که خدا از دنیا و از ما جداست. هیچ راهی نیست که از انسان به خدا منتهی شود، زیرا انسان ها اساساً مقدس نیستند و اگر به خدای زنده نزدیک شوند، خواهند مرد. برای مردم مدرن، فکری که خدای مقدس انسان گناهکار را مجازات کند دشوار است. از یک طرف به این دلیل که خودمان را گناهکار نمی بینیم و از طرف دیگر به این دلیل که همیشه خدا را قابل دسترسی و دوستانه برای مردم تصور می کنیم. اما در کوه سینا روی دیگری از خدا برای ما آشکار می شود: در کوه سینا غیر قابل درک بودن خدا و قدوسیت او آشکار است. مهم این است که ما هرگز از این جنبه ی خدا غافل نشویم زیرا نمی توانیم دیکته کنیم که خدا باید چگونه باشد. خدا ما را آفریده نه ما او را! وقتی چشمانمان باز می شود و خدای مقدس را در کوه سینا می بینیم، به سرعت می فهمیم که چرا نمی توانیم به خدای مقدس نزدیک شویم. چون می بینیم که مقدس نیستیم. تاریخ بشریت ما مملو از کار های وحشتناک غیرقابل توصیفی است که در بین ما انسان ها اتفاق افتاده و هنوز ادامه دارد. حتی اگر شخصاً مرتکب جنایات وحشتناکی نشده باشیم، نمی توانیم وانمود کنیم که از چنین چیزهایی مصون هستیم یا به ما مربوط نیست. ما همچنین نباید این اشتباه را مرتکب شویم که تمام بدی های دنیا را به دیکتاتورهای امروزی نسبت دهیم تا از همه بدی ها فاصله بگیریم. اگر خودمان مرتکب چنین شرارتی نشده ایم، کافیست به تاریخ نگاه کنیم تا ببینیم قتل، تجاوز، سرقت و دزدی بخشی از تاریخچه همه خانواده ها است. و بنابراین در باره ی ما نیز صدق می کند. ما بخشی از شر هستیم و بنابراین از خدا جدا شده ایم. اما خدا پناهگاه خود را نه تنها در کوه سینا بلکه در اورشلیم نیز قرار داده است. در اورشلیم، خدا شخصاً ما انسانها را از طریق مرگ عیسی از همه گناهان نجات داد. در گذشته خدا فقط در کوه سینا بود، قدوسیت او اکنون در همه افرادی است که در عیسی مسیح هستند. این بدان معناست که ما از شرارت رهایی یافته و نجات یافته ایم و بنابراین از تأثیرات شر جدا شده ایم. از این به بعد ما دیگر در قلمرو ی شیطان نیستیم بلکه از خدا هستیم. اگر دوباره به نقاشی آلبرشت دورر نگاه کنیم، چیزی قابل توجه می بینیم: اگرچه کلیسای زمینی هنوز درگیر نزاع است و با ضعف های بسیاری در داخل و خارج کلیسا دست و پنجه نرم می کند، کلیسا در همان ابری شناور است، که کلیسای کامل است. این بدان معنی است که رستگاری ما قبلاً اتفاق افتاده است. عیسی و کار او برای ما قبلاً مُهر و موم شده است. و ما از پیش به جامعه ی نجات یافتگان در بهشت تعلق داریم. این بدان معناست که ما به عنوان یک کلیسا با وجود خطر بزرگ، هدفی استوار در ذهن داریم. و آن عیسی است. از طریق او می توانیم به قدوسیت خداوند نزدیک شویم. در تاریخ، کلیسا اغلب با یک کشتی در توفان مقایسه می شود. ما در دریای زمان حرکت می کنیم. گاهی اوقات امواج آنقدر بزرگ هستند که بیشتر شبیه یک پوسته گردو هستیم. امواج ما را به این سو و آن سو پرتاب می کنند و راه را نمی دانیم. اما نقاشی دورر تصویر دیگری را نشان می دهد. بندرگاه امن دور نیست. خداوند ما عیسی محکم به ما متصل است. حتی اگر الان نتوانیم او را ببینیم فقط عیسی در کنار ما می تواند سفر را به پایان برساند و راه بهشت را برای ما باز کند آمین